



تفسیر موضوعی

هر نوع شرک مکروم است

تفسیر قرآن مجید

مشهور نخست از مشهورهای دوازدهگانه

إِنَّا لَأَشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا

برای او چیزی را شریک قرار ندهید.

بگنا پرستی و گسستن زنجیرهای مومنان چندگانه پرستی، اساس و پایه تمام دستورهای الهی را تشکیل می‌دهد. احتساب شرک به هر رنگ و جنون باشد، در سرتیغ براندهای پیامبران قرار گرفته است. گوئی همه آنان برای تثبیت تکاپوستی و مبارزه با شرک برانگیخته شده‌اند.

قرآن مجید این حقیقت را به روشنی یادآور می‌شود و می‌فرماید:

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الصَّاغِرَاتِ

بر میان هر امتی پیامبری برانگیختم که خدا را پرستید و از پرستش هر نوع شیئی بپرهیزید.

قرآن مجید، تکاپوستی را اصل شرک می‌داند و می‌فرماید:

قُلْ نَعْبُدُ إِلَهًا إِلَهًا وَاحِدًا وَإِن مِّن شَيْءٍ إِلاَّ عِندَنا حِزْبٌ مِّمَّنْ يَلْمِزُوكَ إِن شَاءَ الرَّبُّ عِزًّا

بگو ای اهل کتاب! بخوی کلمه‌ای که میان ما و شما یکسان است بیافید. جز خدا را پرستیم و برای او چیزی را شریک قرار ندهیم.

قرآن برای ترسیم حقیقت شرک مثلی می‌برد که از نظر گویائی بسیار کم نظیر است آنجا که می‌فرماید:

وَمِن شُرَكَّائِكَ بِاللَّهِ فَكَلِمًا حَرَامًا السَّمَاءِ فَتَخْطَفُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِينٍ

هر کس به خدا شرک ورزد مانند کسی است که از آسمان فرود آید و در نتیجه یا برغان هوا او را می‌برد یا باد او را به نقطه مورد بستی می‌برد.

این مثل حقیقتی را بیان می‌کند و آن است که سعادت شرک هیچ نوع انسانی نیست زیرا شرک در زندگی بناگاه‌هایی نداشته و به هیچ جا انگاشی ندارد و همانند کسی است که از آسمان به زمین برود یا برغان هوای او را می‌برد یا باد او را در فرودهای فرو می‌اند.

بنابر این شرک نیز که از مسیح هستی و حیات (خدا) روی بر می‌گرداند، هیچگونه آسیدی به سعادت او در درجه‌های

ریشه بت پرستی:

اطهار نظر در باره ریشه بت پرستی و اینکه چگونه این اندیشه، در میان بشر رشد و نمو نموده، بسیار گار متکلی است. بخصوصی که موضوع بت پرستی به یک قوم

سال هجدهم شماره ۵

بایک منطقه مخصوص نبوده که اسامی بتواند درباره ریشه آن، اظهار نظر قطعی نماید. بت پرستی در میان "ماشبی ها"

شکلی در میان "برهمنشیاها" شکل دیگر در میان "بوداشیاها" بگونه ای در میان "هندوها" بصورت دیگری است افکار و عقاید این اقوام آنچنان باهم مختلف و گوناگون است که به رحمت می‌توان تصور مشترکی میان آنان پیدا نمود.

اعراب بائده، مانند اقوام عاد و نمود، که قوم هود و صالح بودند و ساکنان "مدین" و "سبأ" که امت تعسب، و سلیمان به شمار می‌روند، همگی بت پرست بودند و طرز تفکر آنان در قرآن مجید، بگونه‌ای بیان گردیده است.

اعراب جاهلی که ارسال اسماعیل بوجود آورده‌اند سالیان دارای خدا پرست بوده و از صالحیم ابراهیم و فرزند او اسماعیل پیروی می‌کردند ولی مرور زمان و ارتباط با اقوام بت پرست، سبب شد که در حجاز، بت پرستی جای خدا پرستی را بگیرد. نخستین کسی که سائل بت پرستی را در مکه و اطراف آن رواج داد، (عمرو بن لحنی) بود وی در مسافرتی که به "طفا"

از اراضی شام کرد، اقوامی را دید که بتها را میپرستیدند و فنی از علت پرستش آنها سؤال نمود گفتند اینها بت‌هایی هستند که آنها را میپرستیم از آنجا تا آنجا می‌تولیم برای ما بتان می‌فرستند، از آنها کمک می‌خواهیم کمک می‌کند و... وی روش بت

برستی را پسته دیده و بتی بزرگ به نام
" هیل " همراه خود به سکه آورد. و آنرا بر
نام کعبه سعاد و مردم را به پستی آن دعوت
کرد و از این راه بت برستی بحجاز راه
یافت و در میان اقوام و قبائل مختلف عرب
بتها و خدانماهایی پیدا شد که آنها را
میسریندند.^۶

رحمی از میوهشگران نظر میدهد
که ریشه بت برستی از تکریم و تعظیم
تخصصها آغاز شده است. هنگامیکه
تخصصی از جهان میرفت. برای یادبود او
مستقانی مساختند که خاطره‌ی او را در دلها
زنده نگاهدارند ولی مرور زمان و تعدیل
نسلی به نسل دیگر این گوته تماثل و اسام
را در میان همان اقوام بصورت مسعود
درمی آورد. هر چند در وقت ساختن آنها
چس اندیشه و فکری وجود نداشت.

گاهی بزرگ خانواده‌های درویش
عیال خود یا مرشد برستی آورد تعظیم و
تکریم بود پس از درگذشت او بتی را شکل
او ساخته و آنرا می برستیند.
درویشان و قوم باستان بتها
خانواده مورد برستی بود پس از درگذشت بتی جامع علوم انسانی
اوجمه آنرا می برستیند. امروزه در دوره
های جهان انسانی از رجال دین و شخصیهای

برجسته وجود دارد که روزگاری خود آنها را
پس از درگذشت آنها مجسمه آنها مسود
برستی بودند. مانند برهمن و بودا.

از عذاکره ابراهیم با بزرگ قوم
خود (عبرود) بخوبی استفاده می شود که
دومی مورد برستی قوم خویش بود.^۷
بالسکه فرعون مورد برستی قوم

خود بود باوجود این، خود، بتهایی را که
شاید اشکال شخصیهای پیشین اقوام
فراغنه بودند می برستند. آنجا که قرآن
می فرماید:

وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ اسْتَفِزُّ
مُوسَىٰ وَ قَوْمَهُ لِيُطِغُوا فِي الْأَرْضِ
يَدْرِكُ وَالْبَيْتِكَ ۝۱۰۰

گروهی از قوم فرعون گفتند: آیا
موسی و قوم او را آزاد می گذاری که
بر روی زمین فساد کنند و بسو و
خدایان تو را ترک گویند.^۸

خلاصه نظر اینکه این اسام و تماثل
در روز نخست بعنوان یادبود رجال دین و
زبان و انتقال نسلی و پیدایش نسل های
دیگر آنها را از بخزای اصلی خود منحرف
کرده و بصورت مسعود درمی آورد.
ادامه دارد

۱- سوره بقره آیه ۲۴ - ۲- آل عمران آیه ۶۴ - ۳- سوره حج آیه ۲۱

۴- برای آگاهی از نکات آورده این تفسیر " کتاب " تألیف رمحتری. و " مباحث
الفن " نگارش قمر زاری ج ۳ ص ۱۸۲ مراجعه گردد.

۵- دائرة المعارف ها، خصوصاً دائرة المعارف سنی، بگونه‌ای مفید این اقوام آسیائی
را که در نظر گسترده‌ای رعایت می کنند و هنگی سبب برستی می باشد، تشریح نموده اند.

۶- سوره آل عمران ج ۱ ص ۷۷ - ۷- سوره بقره آیه ۲۵۸ مراجعه شود. زندگانی آیه ۱۲۷